



اِسْتِقَامَتٌ

در راه

هَلَفٌ

فَاعْتَصِمُوا بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّ لَهَا حَبْلًا قَرِيبًا عُرْوَةً ، وَمَعِيلاً
تَيْمَامًا ذُرْوَةً ، وَبَابٍ دُرِّ الْوَتِّ وَعَمْرًا يَدِي ، وَأَمَّهْدًا وَاللَّهِ
قَبْلَ خَلْقِهِ ، وَأَعْدَاءَ اللَّهِ قَبْلَ زُنُوفِهِ ، فَإِنَّ النَّيَابَةَ الْإِسْبَامَةَ ،
وَكُنَى يَدِيكَ وَأَعْظَاءَ إِيْنِ عَقْلٍ ، وَمُنْتَبِرًا إِيْنِ حَيْمَلٍ ، وَقَبْلَ بُلُوغِ
النَّيَابَةِ مَا نَعْمَلُونَ مِنْ ضَيْقِ الْأَنْعَامِ ، وَشِدَّةِ الْإِبْلَاسِ ، وَمَوْلَى
الطَّلَجِ ، وَرَوْعَانَ الْفَرْجِ ، وَآخِلِيَّ الْأَضْلَاجِ ،
وَأَسْبَاطَ الْإِسْبَاجِ ، وَظِلْمَةَ الْعَدِي ، وَخَيْفَةَ الْوَعْدِ ، وَرَمَّ الْقَبِيحِ ،
وَرَدِيمَ الضَّعِيفِ .

گردید. در ادامه خطبه چنین می فرماید:

«فَاعْتَصِمُوا بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّ لَهَا حَبْلًا وَثِيقًا عُرْوَةً».

پس تقوی را دست آویز خود قرار دهید چرا که آن را ریسمانی است که دستگیره اش محکم و متین است.

تقوا تنها راه نجات

حال که بنا شد در برابر مشکلات و نابسامانیهای روزگار استقامت داشته باشید و از دشمنان خدا نهراسید و در راه پیشرفت دین، جهاد و فداکاری نمائید، پس باید به ریسمان محکم الهی چنگ بزنید و آن را دستاویز خود قرار دهید تا از سقوط رهایی یابید، این ریسمان محکم و متین الهی، همان تقوی است.

حضرت در اینجا تقوی را تشبیه می کنند به ریسمانی که دارای دستگیره ای محکم است. فرض کنید شما در ته چاهی افتاده اید و می خواهند شما را به بالا بیاورند، طنابی را آماده می کنند و از خود طناب گره محکمی درست می کنند یا اینکه قطعه چوبی به آن می بندند تا اینکه دستگیره ای باشد و شما آن را بگیرید و به بالا بیایید، این دستگیره را در زبان عرب «عروه» می نامند. و «عروة الوثقی» یعنی دستگیره محکم.

حال اگر نظری به دنیا بیافکنیم درمی یابیم که این دنیا از هر چاهی بدتر و عمیق تر است. حوادث و فتنه های دنیا به چاه ویلی می ماند که باطنش جهنم است و گویا ما مردم در ته جهنم قرار گرفته ایم، پس اگر بخواهیم از شر این فتنه ها مصون بمانیم باید طناب محکمی را که خداوند برای نجات ما فراهم کرده است، بیابیم و به آن چنگ بزنیم، این طناب همان تقوی است که با آن حریم خدا را باید حفظ کرد.

معنای تقوی، نگهداری است یعنی حریم خدا را حفظ کردن، و حریم خدا حفظ کردن به این است که اوامر او را اجرا و از منهیاتش چشم پوشی و امتناع ورزیم.

حضرت می فرماید: به تقوی و دین خدا چنگ بزنید چرا که

بحث پیرامون خطبه ۲۳۲ نهج البلاغه با شرح فیض الاسلام و یا خطبه ۱۹۰ با تفسیر محمد عبده بود. در بخش اول این خطبه، حضرت امیر علیه السلام پس از حمد و ثنای پروردگار، بفرستاده و بنده خالص او حضرت رسول صلی الله علیه وآله درود می فرستد و تأکید می فرماید که: هر چند دشمنان تلاش ها و کوشش های فراوانی برای خاموش کردن نور آن حضرت داشتند، با این حال هرگز حضرت رسول «ص» از جهاد و مبارزه و پیکار با دشمنان خدا باز نمی ایستاد و پا استقامت و پایداری برآنان غالب و پیروز



در نسخه محمد عبده آمده است: «وبادروا الموت في غمراته»
مبادرت کنید مرگ را در گردابهایش یعنی به فکر این گردابها
باشید و برای طی کردن آنها خود را مهیا سازید.

«وَأْمَهُدُوا لَهُ قَبْلَ حُلُولِهِ».

خود را برای مرگ مهیا سازید پیش از آنکه فرا رسد.

مهد، جایگاهی است که برای آرامش انسان فراهم آمده و
لذا گهواره را نیز مهد می گویند. حضرت می فرماید: خودتان را
برای مرگ مهیا و آماده نمائید پیش از آنکه مرگ بر شما نازل
شود، این جمله عطف تفسیری است بر جمله گذشته در هر صورت
می خواهد بفرماید: عزرائیل هرگز خبرتان نمی کند و پیر و جوان را
هم نمی شناسد، هرگاه اجل شما فرا رسد، برای قبض روحتان
آماده می شود. خصوصاً در این زمان که این همه تصادفات و
حوادث گوناگون وجود دارد. پس باید همواره منتظر فرا رسیدن
مرگ باشیم و خود را برای آن آماده نمائیم هیچ کس تا کنون از
عزرائیل سندی نگرفته است که هشاد یا نود سال زندگی
می کند! پس چه بهتر که پیش از فرا رسیدن مرگ، خود را برای
استقبال از او آماده سازیم. آن کس که می گوید: «مرگ اگر
مرد است گو نزد من آی» بدون شک خود را آماده ساخته است و
از مرگ نمی هراسد؛ و مؤمن باید همیشه چنین باشد.

«وَأَعِدُوا لَهُ قَبْلَ نَزْوَالِهِ».

و پیش از آنکه بر شما نازل شود، زاد و توشه خود را آماده نمائید.

این جمله باز هم تفسیری است بر همان جمله گذشته. اعداد
بمعنای مهیا کردن و فراهم آوردن وسایل و ابزار کار است. و
اینکه حضرت تکرار می فرمایند این جمله را، بخاطر اهمیت آن
اصلیست، چرا که مرگ، تمام شدن و از بین رفتن نیست بلکه تازه
اول کار است. پس از آن عالم برزخ آغاز می شود.

و پس از عالم برزخ، قیامت است و حساب و کتاب و آنجا
دارخلود و جاودانگی است: یا جهنم سوزان و یا بهشت و
رضوان.

«فَإِنَّ الْغَايَةَ الْقِيَامَةُ».

همانا بتحقیق، نهایت سیر شما قیامت است.

هیچ کس با مردن، فانی و نابود نمی شود، بلکه پس از مرگ،
برزخ آغاز می شود و پس از برزخ، عالم قیامت است، پس باید
خود را با اعمال صالحه مهیا کنیم و برای سئوالهای قیامت،

آن همچون ریسمانی محکم و منیع است و هرگز پاره نمی شود. این
همه آفات و حوادث که شما را احاطه کرده اند، اگر چنانچه بر
صراط مستقیم اسلام قدم بردارید و تقوای الهی را ملکه خود قرار
دهید، نجات پیدا خواهید کرد.

«وَمَعْقَلًا مَنِعًا ذُرْوَةً».

و تقوا را پناهگاهی است بلند و شامخ.

تقوا همانند پناهگاهی است که دارای دیوارهایی محکم و
بلند می باشد و اگر به آن روی آورید، دست هیچ شیطانی به
شما نمی رسد و هیچ قدرتی نمی تواند از آن پناهگاه عبور کند و به
شما دست درازی نماید. اگر می خواهید از شر شیاطین و دشمنان
و نفس اماره رهایی یابید به این پناهگاه استوار و شامخ پناه
آورید، چرا که بیرون آن ممکن است شیاطین به شما آسیب
برسانند و از راه بدر کنند ولی هرگاه به این پناهگاه رفتید،
فتنه های آنان دفع می شود و دین شما محفوظ می ماند.

معقل: پناهگاه.

منیع: خیلی بلند و شامخ.

ذروه: با ضمه ذال یا کسر آن، بمعنای قله و بلندای یک
جایگاه است.

«وبادروا الموت وغمراته».

به سوی مرگ و گردابهای آن بشتابید.

آماده سفر آخرت شوید

از هم اکنون که در دنیا زندگی موقت و زود گذر را
می گذرانید، به فکر زندگی جاویدان آینده باشید و لوازم آن
زندگی را فراهم آورید. هر انسان عاقلی وقتی می خواهد به
مسافرتی دور و دراز سفر کند، آماده سفر می شود، چمدانهایش را
می بندد، زاد و توشه اش را فراهم می سازد، پول را به مقدار لازم با
خود برمی دارد و خلاصه مقدمات سفر را کاملاً تهیه می نماید.
فراهم کردن مقدمات، همان مبادرت به سفر است با این مقدمه
بی گمان هر خردمندی برای طولانی ترین مسافرت خود که
نهایتش وطن اصلی و جاودانه است، می اندیشد و فکر می کند،
وانگهی مرگ را گردنه های صعب العبور و زیادی هست و باید از
آنها گذشت و پرسشها و بازخواست ها را پاسخ داد، پس باید
هر چه زودتر به فکر پاسخ باشیم و خانه خود را در آنجا بسازیم.





پاسخ آماده نمائیم که این پاسخ‌ها چیزی، جز اعمال نیک نمی باشد.

«وکنفی بذلک واعظاً لمن عقل و معتبراً لمن جهل».

مرگ برای کسی که مال اندیش است بهترین پند دهنده و برای کسی که نادان است بهترین عبرت می باشد.

بهترین پند دهنده

هر انسان خردمند و مال اندیشی باید از مرگ دیگران عبرت بگیرد و بداند که سراغ او نیز خواهد آمد. انسان عاقل بدون شک فکر آینده خویش می کند چون عقل دارد، او مانند حیوان نیست که تنها هم و غمش میرشدن شکمش می باشد، لذا آدم عاقل وقتی می بیند روزانه هزاران نفر می میرند و در قبرستانها دفن می شوند، همین مرگ دیگران بهترین زنگ خطر برای او است که به فکر خود باشد و همچنین انسانهای نادان و غافل، اگر به قبرستانها بروند و در تشییع جنازه ها شرکت کنند، بی گمان عبرت می گیرند و به خود می آیند.

«وقبل بلوغ الغایة ماتعلمون من ضیق الأرماس و شدة الإبلاس وهول المطلق وروعات الفزع، و اختلاف الأضلاع، واستنکاک الأسماع، وظلمة اللحد، وخیفة الزعد، وغمّ الصریح و زلم الضفیح».

و پیش از رسیدن به قیامت، می دانید چه حوادثی در پیش است از تنگی قبرها و فشار و سختی ناامیدی و هول عالم برزخ و وحشت ها و ترس ها و جابجا شدن دندم ها و کمر شدن گوش ها و تاریکی لحد و وعده های ترسناک و پوشیدگی قبر و زندانی شدن زیر سنگ پهنی که در لحد گذاشته می شود.

هنوز قیامت نرسیده است که ببینید چه بر سرتان خواهد آمد؟! قیامت که بجای خود گرفتاریهای زیادی در بردارد و آن روز روزمرستاخیز و بازخواست است، و هر روزش مانند ۵۰ هزار سال دنیا طولانی است، ولی قبل از رسیدن به آن، عالم برزخ است که چه گرفتاریهای زیادی دارد.

قبرها تنگ و تاریک است و انسان در عالم برزخ فشار می بیند. در روایت است که: «القبر روضة من ریاض الجنة او حفرة من حفر النیران». قبر یا باغی است از باغهای بهشت و یا

گودالی از گودال های جهنم.

در آنجا ناامیدی و غم و غصه به انسان احاطه می کند. شدت ناامیدی در برزخ پیدا می شود چرا که انسان درمی یابد که اگر کارهای نیک انجام داده بود و پولهایش را در راه خدا مصرف کرده بود، چه خوش به او می گذشت در آنجا است که می فهمد چقدر توان کار کردن و خدمت نمودن در دنیا داشت و چقدر می توانست از عمر خدادادش بهره ببرد ولی کمتر استفاده کرد و اموالش را کمتر در راه خدا صرف نمود. ولی افسوس که دیگر پشیمانی و ندامت فایده ای برایش ندارد چرا که پس از مرگ، بازگشتی به دنیا نیست.

ضیق: تنگی و فشار.

رمس: خاک خشک و کنایه از قبر است.

اِبلاس: شدت ناامیدی. و اینکه به شیطان ابلیس گفته می شود برای اینکه از رحمت خدا نومید شده است.

مطلق: اسم مکان است بمعنای محلّ اطلاع یعنی جای بلندی که از آنجا، جاهای دیگر را می توان دید و لذا عالم برزخ را مطلق می نامند چرا که در آنجا قیامت را می توان پیش بینی کرد و در آنجا است که انسان مشرف به قیامت می شود و به وضعیت خویش اطلاع پیدا می کند.

در عالم برزخ ترس ها و وحشت ها بسیار زیاد است، همه چیز آن وحشتناک و ترس آور است. در آنجا بر انسان چنان فشار می آید که دنده هایش درهم می شکنند و جابجا می شوند و گوش ها گرم می شود. و این کنایه از شدتهایی است که در عالم برزخ رخ می دهد. در آنجا انسان در جایی تنگ و تاریک قرار می گیرد و از وعده هایی که به بدکاران داده می شود، ترسناک است. قبر پوشیده شده است و هیچ گریز و راه فراری برای او نیست و آنان که در خارج هستند، نمی دانند به او چه می گذرد و کاملاً او از دنیا منقطع شده است و دردم آخرین سنگی پهن برجسد ناتوان او می گذارند که گویا سدی است میان او و عالم دنیا و حتی مجال تکان خوردن هم ندارد. او اکنون از مال و هستی و زن و فرزند و خویشان و دوستان و همه چیز و همه کس منقطع شده است و تنها اگر اعمال خیری داشته باشد، او را نجات می دهد و بس.

ادامه دارد

